



مواضع سیاسی اروپا را باید از توانایی این قاره تفکیک کرد

بی‌معنایی «برجام‌منهای آمریکا»

✚ رپورتر
دکتر سید رضامیر طاهر

اعلام استراژی جدید آمریکا در قبال ایران از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۱ مهر -که سنا تأکید بر عدم‌پایبندی ایران به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و ارجاع آن به کنگره همراه بود، با واکنش منفی سایر اعضای گروه ۵+۱ از جمله سه کشور اروپایی این گروه مواجه شد. موضع صریح سران سه کشور اروپایی و نیز موضع‌گیری قاطع فدریکا مومگرتی رئیس‌سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حمایت از برجام بار دیگر یکی از موارد مهم اختلاف اروپا و آمریکا را آشکار کرد. در واقع موضع منفی ترامپ در قبال برجام و کارشکنی آشکار وی برای از بین بردن این توافق بین‌المللی نه فقط با انتقاد رقیبا و دشمنان آمریکا مانند چین و روسیه مواجه شده بلکه به افزایش شکاف بین دو سوی قیاقوس اطلس منجر شده است. موضع ترامپ درباره برجام به هیچ عنوان مورد موافقت شرکای اروپایی واشنگتن نیست و ترامپ شکاف میان اروپا و آمریکا را افزایش داده است. بیانیه اخیر وزرای خارجه اتحادیه اروپا درباره پایبندی این اتحادیه به برجام، صریح‌ترین موضع‌گیری اتحادیه اروپا در واکنش به سخنان دونالد ترامپ در زمینه عدم پایبندی جمهوری اسلامی ایران به برجام و تلاش برای لغو آن است.

■ افزایش اختلافات

از هنگام روی کار آمدن ترامپ، مواضع و اقدامات وی در بسیاری موارد نارضایتی و خشم اروپایی‌ها را به دنبال داشته است. موضع ترامپ درباره خروج از توافقنامه آب و هوایی پاریس، مخالفت ترامپ با انعقاد توافق تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و آمریکا و نیز درخواست‌های مکرر وی از اعضای اروپایی ناتو برای افزایش بودجه نظامی و افزایش سهم‌شان در ناتو از جمله مواردی است که باعث بروز شکاف بین اروپا و آمریکا شده است. اما اکنون از هنگام روی کار آمدن ترامپ، مواضع و اقدامات وی در بسیاری موارد نارضایتی و خشم اروپایی‌ها را به دنبال داشته است. موضع ترامپ درباره خروج از توافقنامه آب و هوایی پاریس، مخالفت ترامپ با انعقاد توافق تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و آمریکا و نیز درخواست‌های مکرر وی از اعضای اروپایی ناتو برای افزایش بودجه نظامی و افزایش سهم‌شان در ناتو از جمله مواردی است که باعث بروز شکاف بین اروپا و آمریکا شده است. اما اکنون

✚ چالش

احمد کاظم‌زاده

در ۲۰مهرماه گروه‌های فتح و حماس با میانجیگری مصر یک توافقنامه آشتی امضا کردند. یکی از ویژگی‌های این توافقنامه که در عین حال می‌تواند تا حدودی چشم‌انداز آن را مشخص کند، خواسته‌ها و انتظارات متفاوتی است که هر یک از طرف‌های توافق از آن دارند. این طرف‌ها تنها به حماس، فتح و مصر محدود نمی‌شود.امریکا، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و عربستان از دیگر طرف‌هایی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم در این توافقنامه‌بافی نقش کرده‌اند و انتظارات خاصی نیز از آن دارند. شرایط خاص حاکم بر موقعیت هر یک از این طرف‌نیز در آن مؤثر بوده است.

حماس در وضعیتی به امضای این توافقنامه روی آورد که علاوه بر محاصره اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی که بعد از جنگ‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ بی‌وقفه ادامه یافته است، با فشارهایی از جانب تشکیلاتی روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای اروپایی ناتو برای افزایش بودجه نظامی و افزایش سهم‌شان در ناتو از جمله مواردی است که باعث بروز شکاف بین اروپا و آمریکا شده است. اما اکنون

مخالفت شدید ترامپ با برجام که از دیدگاه اروپایی‌ها توافقانی منطقی و مناسب در چارچوب حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران تلقی می‌شود، بار دیگر اختلاف بین اروپا و آمریکا را آشکار کرده است. از نگاه اروپایی‌ها، برجام نتیجه سال‌ها تلاش در حوزه دیپلماسی و گام مهمی در مسیر حصول اطمینان از عدم انحراف ادعایی بر نامه هسته‌ای ایران به سوی اهداف نظامی تلقی می‌شود. در عین حال خودداری ترامپ از تأیید پایبندی ایران به برجام باعث خواهد شد همه طرف‌های این توافقنامه در یک سو و خودداری از طرف دیگر قرار گیرند. در واقع اتحادیه اروپا برجام را توافقی در چارچوب کنترل برنامه هسته‌ای ایران می‌داند، در حالی که از دیدگاه ترامپ، برجام نه فقط باید باعث کنترل و نظارت و محدودیت‌های شدید بر برنامه هسته‌ای ایران باشد، بلکه باید دیگر نگرانی‌های آمریکا از جمله درباره برنامه موشکی ایران، اقدامات منطقه‌ای ایران و نیز وضعیت حقوق بشر در ایران را در بر گیرد. به ویژه برای اروپایی‌ها با توجه به اجرای برجام از سوی ایران، دغدغه انجام اقدامات هسته‌ای نظامی از جانب تهران برطرف شده و آنها اکنون مشتاق گسترش روابط تجاری و اقتصادی با ایران هستند. رؤیایمنظمی، کارشناس اروپا تأکید می‌کند که اروپا در زمینه مسائل اقتصادی روابط خود را با ایران خیلی تقویت کرده و منافع اقتصادی آن ایجاب نمی‌کند که از برجام خارج شود. هر چند برخی سران اروپایی اظهارنظرهایی درباره شریک بودن در نگرانی‌های آمریکا درباره برنامه موشکی ایران و نیز اقدامات منطقه‌ای آن دارند، با این حال از دیدگاه آنها، پیگیری این مسائل نباید به بهای از میان رفتن برجام صورت گیرد. در عین حال برای اروپایی‌ها گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای و مناطق مختلف جهان اکنون در اولویت قرار دارد، در حالی که ترامپ صراحتاً بر درون‌گرایی اقتصادی آمریکا و دوری از توافقات تجاری با دیگر کشورها و مناطق

امور بین‌الملل رئیس مجلس شورای اسلامی معتقدند که نباید خوش‌باور باشیم که اروپا از آمریکا فاصله گرفته و به مانزدیک می‌شود. به گفته وی، آمریکا و اروپا دیدگاه‌های مشترکی در مورد توان دفاعی ایران دارند. از اظهارات برخی مقام‌های ارشد اروپایی نیز اینگونه برداشت می‌شود که آنها مایل هستند که ایران همچنان تحت فشار بماند. کما اینکه اماנתول ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه اخیراً در مصاحبه باسی‌ان‌ان گفت: «لازم است جامعه بین‌المللی به تدوین راهبردی جدید در خصوص برنامه موشکی ایران بپردازد چون تهدیدی برای کل منطقه است. لازم است ما درباره دورس آن در سال ۲۰۲۵ میلادی یعنی پس از اتمام دوره زمانی برجام مذاکراتی را باز کنیم.»

■ دو دیدگاه متفاوت

درباره میزان نقش و تأثیر گذاری اروپا بر ادامه حیات برجام و باقی ماندن آن، حتی در صورت خروج آمریکا از آن، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. تحلیلگرانی که موافق برجام هستند، بر تفاوت بین اروپا و آمریکا و افزایش اختلافات بین این دو بر امکان همکاری با اروپا برای حفظ برجام تأکید می‌کنند. اما دسته‌ای دیگر از تحلیلگران معتقدند که اروپا در هر حالتی منافع خود در همکاری و هماهنگی با آمریکا را بر همکاری با ایران ترجیح داده و لذا با توجه به میزان نفوذ مالی و پولی، تجاری و اقتصادی آمریکا در سطح جهان و از جمله در اروپا، اتحادیه اروپا حتی اگر خود هم بخواهد، نمی‌تواند به رغم مخالفت با موضع ضد برجامی ترامپ، کاری از پیش برد. از نگاه این تحلیلگران، اساساً برجام بدون حضور آمریکا، توافقی بی‌مفهوم و عاری از محتوا خواهد بود.

■ جمع‌بندی

قطع نظر از استدلال‌های موافقان و مخالفان برجام در زمینه صداقت یا عدم صداقت اتحادیه اروپا در زمینه تأکید بر لزوم ادامه برجام باید دانست که از نگاه اروپایی‌ها، در برهه کنونی حفظ برجام در راستای منافع کلان و درازمدت آنهاست زیرا از یک سو توافقنامه برجام توانسته تا تهدید ادعایی هسته‌ای از جانب ایران را از میان برد و از سوی دیگر زمینه را سرگیری تعاملات گسترده ایران و اروپا را در زمینه‌های مختلف تجاری، اقتصادی، مالی، صنعتی و... فراهم کند. در مقابل آمریکا با تفسیر موسع خود از برجام و ملزموست آن، از جمله لزوم پیروی ایران از خواسته‌های آن در زمینه محدود کردن برنامه موشکی و نیز تغییرسیاست‌های منطقه‌ای خود، اکنون درصدد برهم زدن برجام است. مقدمه این کار با اعلام عدم پایبندی ایران به برجام از سویی ترامپ و ارجاع تصمیم‌گیری در این باره به کنگره آمریکا فراهم شده است. اکنون به رغم اعلام مخالفت اتحادیه اروپا با اقدام ترامپ، با توجه به فرارسیدن زمان اجرای تهدیدات جدید آمریکا در چارچوب قانون کاتسا CATSA، چندان کاری از اتحادیه اروپا برای توقف این روند بر نمی‌آید. همین مسئله موجب نگرانی شدید صاحبان صنایع و تاجار اروپایی از بازگشت وضعیت به دوره قبل از برجام و بسر خوردن توافقات تجاری و اقتصادی و صنعتی با ایران در دوره بسا برجام را فراهم کرده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد نگاه واقع‌بینانه بر رویکرد اروپا در قبال برجام، بیش از اینکه مبتنی بر مواضع سیاسی اروپایی‌ها در حمایت از برجام باشد، باید بر مبنای میزان توانایی اتحادیه اروپا در حفظ دستاوردهای برجام در زمینه مالی و اقتصادی و ادامه لغو تحریم‌ها باشد. تجربه قبل از برجام در دوره تحریم‌ها و نیز در دوره پس‌برجام نشان می‌دهد که نفوذ و قدرت مالی و اقتصادی آمریکا در عرصه اقتصاد جهانی عملاً باعث بروز نتگنهای زیادی برای از سرگیری روابط عادی مالی و اقتصادی و مسامحی مالی و صنعتی اروپا با ایران شده است. بخش قابل توجهی از محدودیت‌ها، به هراس این مؤسسات و شرکت‌ها از احتمال اعمال مجازات‌های آمریکا به دلیل ارتباط با ایران برمی‌گردد.

«

اتحادیه اروپا برجام را توافقی در چارچوب در حالی که از دیدگاه ترامپ، برجام‌نه‌فقط باید باعث کنترل ونظارت ومحدودیت‌های شدید بر برنامه هسته‌ای ایران باشد، بلکه باید دیگر نگرانی‌های آمریکا از جمله درباره برنامه موشکی ایران، اقدامات منطقه‌ای ایران و نیز وضعیت حقوق بشر در ایران را در بر گیرد. به ویژه برای اروپایی‌ها با توجه به اجرای برجام از سوی ایران، دغدغه انجام اقدامات هسته‌ای نظامی از جانب تهران برطرف شده و آنها اکنون مشتاق گسترش روابط تجاری و اقتصادی با ایران هستند. رؤیایمنظمی، کارشناس اروپا تأکید می‌کند که اروپا در زمینه مسائل اقتصادی روابط خود را با ایران خیلی تقویت کرده و منافع اقتصادی آن ایجاب نمی‌کند که از برجام خارج شود. هر چند برخی سران اروپایی اظهارنظرهایی درباره شریک بودن در نگرانی‌های آمریکا درباره برنامه موشکی ایران و نیز اقدامات منطقه‌ای آن دارند، با این حال از دیدگاه آنها، پیگیری این مسائل نباید به بهای از میان رفتن برجام صورت گیرد. در عین حال برای اروپایی‌ها گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای و مناطق مختلف جهان اکنون در اولویت قرار دارد، در حالی که ترامپ صراحتاً بر درون‌گرایی اقتصادی آمریکا و دوری از توافقات تجاری با دیگر کشورها و مناطق



چرا توافق فتح و حماس شکننده است؟

یک آشتی چندرؤیا

جمهوریخواه و دموکرات برای اجرای طرح دو دولت امتناع کرد و رسماً خود را به سخنگوی نتانیاهو تبدیل کرده است. از دیگر سو امارات و عربستان با وساطت مصر باب گفت‌وگوهای را با محمد دحلان رقیب محمود عباس، گشودند و بدین ترتیب دامنه تسویه حساب‌های خود را با قطر به صحنه فلسطین کشاندند. رژیم صهیونیستی که خود را بزرگ‌ترین بازنده شکست پروژه براندازی در سوریه و شکست پروژه تروریسم تکفیری در کل منطقه می‌داند اکنون بیش از پیش از ناحیه محور مقاومت به خصوص با توجه به گشوده شدن جبهه جولان احساس ترس و خطر می‌کند و در عین حال در استراژی نظامی خود با توجه به شکست اضمحلال ارتش‌های عربی بزرگ‌ترین تهدید خود را گروه‌های مقاومت اعلام کرده است. لذا به روند اجرایی این آشتی به عنوان فرصتی می‌نگرد که روند اجرایی این توافقنامه به گونه‌ای پیش رود که حماس را از محور مقاومت جدا کند یا حداقل کشر آن را در تحولات منطقه بی‌طرف و در تحولات فلسطین خنثی سازد و در عین

دومین سواری شی جین پینگ بر اژدهای زرد

نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین در روز چهارشنبه ۱۸ اکتبر آغاز به کار کرده‌است؛ حزب که با ۹۰ میلیون نفر عضو دست کم به لحاظ تعداد اعضا بزرگ‌ترین حزب در جهان به شمار می‌رود. ۲۲۸۷ نماینده حزب در این کنگره شرکت کرده‌اند و وظیفه آنها تعیین جهت‌گیری‌های اساسی حزب و اولویت‌های توسعه کشور با تصویب برنامه اجتماعی و اقتصادی است. تعیین اعضای کمیته مرکزی حزب دیگر وظیفه‌ای کنگره است که شاکله سیاسی چین بنا بر آن مشخص می‌شود چراکه دبیر کل کمیته مرکزی یا همان دبیر کل حزب، اعضای دفتر سیاسی و به خصوص اعضای دائم دفتر سیاسی و اعضای کمیسیون مرکزی ارتش توسط اعضای این کمیته مشخص می‌شوند. بنابراین، شروع به کار این کنگره و هر گونه جابه‌جایی محتمل می‌تواند تأثیر قابل توجهی در سیاست‌های پنج ساله آینده‌ای بگذارد که کشور چین با آن روبه‌رو است و به لحاظ مقام این کشور در عرصه بین‌الملل، بی‌شک تأثیر مشابهی در همین عرصه خواهد داشت. تنها نکته قابل اطمینان در ابقای شی جین پینگ به عنوان رهبر حزب است چراکه طبق سنت گذشته، رهبران حزب دو دوره پنج ساله را پشت سر می‌گذارند و اونیز تا اینجای کار دوره پنج سال اول خود را اسیری کرده‌است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که اعضای کنگره یک دوره پنج ساله دیگر را هم برای او تأیید کنند اما جدای این، نمی‌توان انتظار مشابهی در مورد دیگر مسائل مورد بررسی آنها داشت و همین نیز حساسیت خاصی را پیرامون نوزدهمین کنگره حزب ایجاد کرده است.

■ جابه‌جایی درون حزبی

آقای پینگ سخنرانی طولانی سه ساعت و نیم در مراسم افتتاحیه کنگره داشت و در مقابل اعضای کنگره و شخصیت‌هایی مثل هو جین‌تاؤ و جیانگ زمین، رهبران سابق حزب، گفت: «هر یک از ما در حاد برپایستی بیش از پیش برای تقویت و تثبیت رهبری حزب و نظام سوسیالیستی تلاش کنند و قاطعانه در برابر اظهارات و اعمال منجر به تضعیف، تحریف یا نفی آن بایستیم.» این تأکید او بر جایگاه حزب و رهبری آن قابل توجه است به خصوص اینکه این تأکید با بخش دیگری از سخنرانی طولانی او پیوند بخورد که در آن بخش به صراحت مخالفت خود را در مورد الگوی گری از سیستم سیاسی کشورهای بیگانه اعلام کرد و گفت که اجازه نمی‌دهد خللی در نظام سوسیالیستی این کشور ایجاد شود یا هر عملی که باعث تضعیف ارزش‌های موجود در ساختار کشور بشود، مقابله می‌کند این حجم از تأکید او بر نظام سیاسی - اقتصادی چین با همان اصطلاح مشهور «سوسیالیسم با خصوصیات چینی» قابل توجه است که از اواخر دهه ۷۰ و اصلاحات گسترده دنگ شیائوپینگ به این سو مبدل به عنوانی مختصر برای بیان ویژگی بنیادین چین شده است. یک وجه از تأکید او به اوضاع و احوال حاکم ارتباط با مناطق پر تنش مثل استان سین کیانگ، منطقه تبت و اعتراضات چند ماه گذشته در هنگ کنگ دارد که در سخنرانی خود اشاره مستقیمی هم به همین مناطق به علاوه مشکل قدیمی تایوان داشت. با این وجود، میزان قابل توجهی از شدت لحن او نمی‌تواند محدود به مناطقی باشد که برای رهبری حزب از دغدغه‌های معمول به شمار می‌روند بلکه مسئله عمده را باید در ترکیب رهبری حزب و کسانی باشد که از سوی اعضای کنگره تعیین می‌شوند و او باید برای پنج سال آینده با آنها کار بکند.

این ترکیب با ۲۰۵ عضو کمیته مرکزی حزب، ۲۵ نفر عضو دفتر سیاسی و به خصوص هفت عضو دائم این دفتر مشخص می‌شود که این آخری از نزدیک‌ترین همکاران پینگ خواهند بود. هیچ شکی نیست که عضویت خود او در این دفتر برای دوره بعد تمدید می‌شود. چنانکه کم‌ترین شکی نسبت به تمدید عضویت لی کچیانگ، معاون رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر چین، وجود دارد اما وضعیت در مورد پنج عضو دیگر به این صورت نیست. مسئله اصلی اینجاست که طبق قانون بانزشتنگی، افراد ۶۸ ساله به بالا باید باز نشست شوند و این حکم در مورد این پنج تن صدق می‌کند که به همین دلیل ترکیب مهم‌ترین نهاد در ساختار قدرت چین بعد از این کنگره دستخوش تغییر عمده‌ای می‌شود. برای نمونه، وانگ چی شانگ در پنج سال گذشته، به عنوان رئیس کمیسیون بازارسی انضباطی مهم‌ترین همراه پینگ برای مبارزه با فساد بوده و تحت مدیریت او بود که بیش از یک میلیون نفر عضو حزب و کارمندان دولت در رتبه‌های بالا تا پایین پاکسازی شدند. حالا او بایدستق کند که این مهم‌ترین نهاد برای پاکسازی باشد. می‌توان گفت که این جابه‌جایی مبدل به دغدغه اصلی پینگ شده تا با ورود اعضای قابل اعتماد بتواند با اطمینان به طرح‌های در پیش‌رو فکر کند. گفته می‌شود که او به فکر حفظ افرادی مثل وانگ با آوردن اشخاص جوان‌تر به شرط وفاداری است اما در هر دو صورت، او با باید قوانین بانزشتنگی را زیر پا بگذارد یا برای وارد کردن افراد متعدد از نفوذ شخصی‌اش استفاده کند که این هم نمی‌تواند برای او بدون هزینه و پیامد سیاسی باشد. به نظر می‌رسد که او با تأکید بر جایگاه رهبری و تقویت موقعیت آن حاضر به قبول هر هزینه‌ای است چراکه این جایگاه را برای آن چیزی لازم می‌داند که از آن به عنوان «رؤیای چینی» یاد می‌کند.



■ رؤیای ۵ ساله

پینگ پنج سال قبل به وعده انجام اصلاحات سیاسی و اداری زمام امور را در چین به دست گرفت و البته در این مدت هم تا اندازه زیادی به وعده خود عمل کرده که فهرست بلند بالا کنار شده‌ها و بازداشتی‌ها به خصوص در میان مقامات ارشد سیاسی، اقتصادی و نظامی مؤید این موضوع است. حالا او نگاه به یک دوره پنج ساله دیگر دارد و در سخنرانی خود این دوره را به عنوان «عصر جدیدی» خواند که به نظر وی، هم چالش‌ها و هم فرصت‌های جدیدی دارد. او چند روز قبل از برگزاری این کنگره در مراسم افتتاح نمایشگاه دستاوردهای بزرگ اقتصاد ملی در پنج سال گذشته تلاش برای «تحقق رؤیای چینی احیای ملی» گفت. شکی نیست که او و دیگر همفکرانش این رؤیا را به دور از «سوسیالیسم به خصوصیات چینی» نمی‌دانند اما به نظر می‌رسد که به دنبال نمونه‌هایی از رؤیای احیای هستند منتها با مهر و امضای چینی. این به معنای دورنمایی از آسایش و رفاه عمومی است که یک سطح زندگی قابل قبولی را برای شهروندان چینی فراهم می‌کند اما نیازی نیست برای رسیدن به آن نگاه به الگوی سیاسی آمریکایی یا به طور کلی غربی کرد. شاید به همین جهت باشد که سمینار «فقلاب اکتر و سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» در ۲۶ سپتامبر و آستانه ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتر، روسیه در یک روزگار شد تالیو کیلیو، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین، در این سمینار از ضرورت «هرک عمیق مفهوم بزرگ و نفوذ گسترده انقلاب اکتر، پیوستگی بزرگ سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی و توسعه آن در شرایط دوره جدید» بگوید. این سمینار به روشنی انقلاب اکتر را در مقابل انقلاب فرانسه یا هر محور غربی برای توسعه سیاسی قرار داده تا رؤیای چینی را در قالب سوسیالیستی بدون الگویزداری از مبنای سیاسی غرب تعریف کرده باشد. پیغمبر سعی کرده تا با برگزاری نمایشگاه‌های متعدد تا قبل از بزرگاری کنگره حزب این قالب و رؤیای چینی مورد نظر خود را تأیید کرده باشد. کتاب «رگردهای چین» در جریان این نمایشگاه‌ها منتشر و پخش شد که بیانگر دستاوردهای کشور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک طی پنج سال گذشته بود که مهر تأییدی باشد بر اینکه پینگ در مسیر خود اشتباه نرفته و می‌تواند رؤیای مورد نظرش را محقق کند.

■ تعامل جهانی

به نظر می‌رسد که پینگ تحقق این رؤیا را این‌ته‌ها در تضاد با تعامل جهانی نمی‌داند بلکه هماهنگ با آن حتی لازمه آن می‌داند. او از همین زاویه است که در سخنرانی خود از نیستن در به روی دنیای خارج گفت و تأکید کرد که کشورش همچون گذشته مشتاقانه از سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری اقتصادی با دیگر کشورها استقبال خواهد کرد. در واقع، سیاست در‌های باز دنگ شیائوپینگ بود که مبنای رشد قابل توجهی اقتصاد چین در دو دهه گذشته را فراهم کرد و معلوم است که پینگ هم نمی‌خواهد از این مسیر روی برگردد به خصوص اینکه چین در همین مسیر به شاخص‌های قابل توجه اقتصادی دست یافته است. مقام نخست جهانی در عرصه توسعه ملی به نمونه از این شاخص‌هاست و رسیدن به تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۱ تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلاری باعث شده تا چین مقام دوم جهانی را در این زمینه برای خود دست و پا کند و کشور را مثل زاین را پشت سر بگذارد. تأثیر این شاخص‌ها در افزایش میانگین طول عمر چینی‌ها دیده می‌شود به نحوی که از ۶۷ سال و ۹ ماه در ۱۹۸۱ به ۷۶ سال و پنج ماه در سال گذشته میلادی افزایش یافته و در مقابل، کاهش قابل توجهی در نرخ مرگ و میر زنان طی همین دوره زمانی دیده می‌شود. این افزایش و کاهش دست کم بخشی از تغییر در سبک زندگی چینی و رسیدن به سطحی از رفاه است که تا چند دهه قبل در این کشور وجود نداشت اما روشن است که همین تغییر پیامدهای منفی نیز دارد. فساد سیاسی و اقتصادی از پیامدهای منفی مهمی است که پینگ همانند این پنج سال وعده مبارزه با آن را برای پنج سال دیگر هم می‌دهد و می‌گوید: «در مقابل با فساد از میان برداشتن و رسیدن به تولید ناخالص داخلی هیچ کوتاهی صورت گیرد.» این ترکیب خاص چینی است که از یک سو در‌ها را به بیرون باز می‌کند و از سوی دیگر، مبارزه با فساد را دنبال می‌کند تا در‌های باز منجر به تخریب درونی نشود. کارنامه پنج سال گذشته نشان می‌دهد که پینگ توانسته این مسیر را ادامه دهد تا قالب سوسیالیستی اما با رنگ و بوی چینی را عملی کند و حالا هم آماده شده تا از ده‌های زرد را برای پنج سال بعد در همین مسیر پیش براند.